

بازآفرینی بافت ناکارآمد قشم با تاکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

کد مقاله: ۴۵۳۷۰

اسماعیل قنبری^{۱*}، افسون مهدوی^۲

چکیده

توانمندسازی از رویکردهای نوین در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری است. قشم بافت فرسوده قابل توجهی دارد و هدف مطالعه حاضر به بررسی نقش ظرفیت‌های فرهنگی و توانمندسازی ساکنین جامعه محلی در بافت‌های فرسوده در راستای بازآفرینی این بافت با استفاده از روش فراتحلیل پرداخته است. تحقیقات علمی و پژوهشی پیشین در این حوزه در ایران تا سال ۱۴۰۱ ارزیابی شده‌اند. بر این اساس ۳۶ مقاله به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب و ۴ عامل مختلف در ارتباط با فاکتورهای موثر به عنوان فرضیه تحقیق در نظر گرفته شدند. پس از دسته‌بندی، ۱۲ مقاله با روش تحقیق کمی و دارای بیشترین ارتباط به موضوع انتخاب شدند. اندازه اثر هر یک از فاکتورهای محاسبه و بر اساس آزمون t به برآورد وضعیت میانگین اندازه اثر پرداخته شده است. نتایج حاصل از فراتحلیل نشان دادند میانگین اندازه اثر عوامل توانمندسازی (اقتصادی)، ظرفیت‌های فرهنگی، توانمندسازی (اجتماعی)، توانمندسازی (مدیریت شهری)، به ترتیب با مقادیر ۰،۶۶۹، ۰،۵۴۵ و ۰،۴۷۹ جهت بازآفرینی بافت‌های فرسوده قشم معنادار هستند ($P < 0.01$). بر اساس نتیجه‌گیری کلی برداشت شده از تحقیق، به نظر می‌رسد تمامی این عوامل به هم پیوسته هستند اما با این حال، عامل اقتصادی بیشترین اثر را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی بافت فرسوده، توانمندسازی جامعه محلی، ظرفیت‌های فرهنگی، فراتحلیل، قشم.

۱- دانشجوی دکتری، رشته شهرسازی، دانشگاه آزاد سیرجان
۲- استادیار، دکتری شهرسازی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد سیرجان

امروزه توجه به بافتهای فرسوده و قدیمی و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده، به گونه ای که سازمان های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و بازآفرینی بافتهای مذکور سوق داده است همچنین امروزه در مباحث مرتبط با بازآفرینی مفهومی تحت عنوان توانمندسازی اجتماع محور مورد اشاره قرار میگیرد؛ مفهومی که به زبان ساده به پروژه ها و فرآیندهایی اشاره دارد که هدف کلیدی آنها عبارت است از افزایش توانایی عمومی ساکنان یک محله ناتوان در خودتکایی برای توسعه شهری. از طرفی، در ۴۳ هزار هکتار بافت فرسوده شناسایی شده در کشور با احتساب تراکم 180 درصد ظرفیت ساخت ۴ میلیون واحد مسکونی وجود دارد، به طوری که با استفاده از این ظرفیت بالقوه میتوان افزایش طبیعی جمعیت کشور را ظرف ۱۰ سال آینده در بافت های فرسوده اسکان داد. با تحلیل کیفی و بررسی روشهای استفاده شده در احیا بافت فرسوده و با اشاره به انواع این روشها و معایب هر یک بنظر میرسد که انواع روشهای متداول احیا بافت فرسوده با توجه به شرایط خاص فرهنگی و گویشی اقوام مختلف حاکم بر کشور مقبول واقع نشده و نمیتوان از روشهای کشورهای دیگر استفاده نمود بلکه این بازسازی باید براساس فرهنگ مردم هر منطقه انجام گردد (فشارکی و همکاران، ۱۳۹۰). با بررسی ابعاد بحران در بافت های قدیمی و بویژه در بافت فرسوده شهر قشم ضرورت های مداخله در بافت های فرسوده به شکلی روز افزون حس می گردد. این مداخله تأثیری مستقیم بر روی مسئله گردشگری داشته و می تواند توسعه در این بخش را به همراه داشته باشد. بنابراین، ضرورت مداخله و توانمندسازی این بخش از شهر به دلایل مختلفی مانند ضرورت های اجتماعی و اقتصادی و امنیتی بر کسی پوشیده نیست. از نظر اجتماعی، بافت قدیمی شهر به دلیل قدمت و فرسودگی و تخریب ناشی از آن، کمبود تجهیزات و تأسیسات شهری دچار نارسایی ها در پاسخگویی به نیازهای زندگی امروز شده است، به همین دلیل جمعیت بومی ساکن این بافتها به حاشیه شهر مهاجرت کرده و مهاجران و اقشار کم درآمد جایگزین آن ها شده اند و در نتیجه بافت های قدیمی مناسب ترین مکان برای کج روی های رفتاری، ناهنجاری های اجتماعی و بزهکاری را فراهم کرده اند. زندگی در چنین مکان هایی با افسردگی، اغتشاش، هرج و مرج و فقدان مشارکت اجتماعی همراه است (Asmelash, ۲۰۱۹، ص ۳). از نظر اقتصادی از آنجا که بافت قدیمی و فرسوده بیشتر در بخش مرکزی شهر واقع شده است و عمدتاً بازار را در خود جای داده است، در مجموعه شهری امتیاز و موقعیت مکانی بسیار خوبی دارد، به همین دلیل بحث مدیریت در این گونه بافت ها در این قسمت از شهر می تواند مؤثر واقع شده و سودآوری بالایی داشته باشد (Gius و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲). در نهایت، امنیت یکی از اساسی ترین توقعاتی است که از جوامع انسانی انتظار می رود. از این روی نقش بسزایی بر سرزندگی و پایداری اجتماعات انسانی ایفا می کند و به عنوان یکی از نیازهای اساسی شهروندان در ساختارهای شهری به شمار رفته و از اهمیت ویژه ای به واسطه در برگیری احساس آرامش و آسایش محیطی برای شهروندان، برخوردار است. همچنین بافت های فرسوده به دلیل عدم توجه و از بین رفتن حس تعلق، زمینه ی لازم برای آسیب های اجتماعی را فراهم آورده اند. سرمایه اجتماعی در بافت های فرسوده و استفاده از این سرمایه برای توسعه متوازن شهر، مورد توجه برنامه ریزان شهری است. توانمندسازی، زمینه سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به کارگیری ظرفیت های موجود است (Ellis و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲). بر اساس رویکرد توانمندسازی، دولت ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که «خود»، راه ارتقای خود را می یابند. در واقع توانمندسازی، ایجاد چارچوب های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه بخش مسکن است (Kline, ۲۰۱۹، ص ۳). مانند بسیاری از شهرها، سرعت توسعه شهری قشم از ظرفیت مدیریت شهری در واگذاری زمین و چاره اندیشی جهت تأمین مسکن شهروندان سبقت گرفته است. از طرفی مسئله گردشگری و بویژه اکوتوریسم در این جزیره مطرح شده که این مهم به عنوان اصلی ترین شاخص در توسعه جزیره است (طرح جامع قشم، ص ۳۹۴). از دهه ۱۹۸۰، گردشگری به عنوان یک تلاش حیاتی توسط مدیران مطرح بوده است، به طوری که نسل های آینده ممکن است مقاصد نسبتاً دست نخورده توسط انسان را تجربه کنند (Rasoolimanesh و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱). اکوتوریسم ممکن است بر آموزش مسافران در محیط های محلی و محیط طبیعی با توجه به حفاظت از محیط زیست متمرکز شود. به طور کلی، اکوتوریسم به تعامل با اجزای زیستی محیط های طبیعی می پردازد. جنبه اصلی در اکوتوریسم، به حداقل رساندن اثرات زیست محیطی بر مناطق بازدید شده است. اکوتوریسم علاوه بر تقویت احترام به محیط طبیعی، به ایجاد مزایای اجتماعی-اقتصادی برای جوامع منطقه مورد بازدید نیز کمک می کند. به این دلیل، اکوتوریسم اغلب مورد توجه طرفداران مسئولیت زیست محیطی و اجتماعی است (Rasoolimanesh و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۲).

در زمینه بافت های فرسوده شهری و نقش آنها در زمینه های مختلف توسعه شهری، از جمله گردشگری، دیدگاه ها و تئوری های مختلف در طی سالیان گذشته ارائه گردیده است. بعد از جنگ دوم جهانی اصول لوکوروبوزیه مورد تأیید دولت های جهانی قرار گرفت که از آن به عنوان مبلغ حقیقی شهرسازی مدرن انتخاب کردند. ویرانی های مراکز شهری ناشی از جنگ جهانی دوم، الگوهای بازسازی بزرگ مقیاس را تقویت کرد، به دنبال آن از دهه ۱۹۶۰ تجدید نظری در الگوهای نوسازی مراکز شهری و گذار از

نوسازی به الگوی های بهسازی و حفاظت اهمیت یافت و در واقع برنامه ریزی های اجتماعی اقتصادی و تکیه بر مردم به جای تکیه بر کالبد و تقدم میراث و فرهنگ بر اقتصاد مطرح شد و به تدریج از دهه ی ۱۹۷۰ ترجیح یکی از دو الگوی توسعه به بیرون (گسترش افقی) و توسعه از درون (رشد هدفمند) ذهن متخصصان برنامه ریزی شهری را به خود مشغول داشته است. به طوری که در انگلیس تمرکز توسعه شهری بر داخل نواحی شهری موجود و استفاده مجدد از زمین های گسرش یافته سابق و تبدیل ساختمان های خالی به کاربری های جدید است (Widiati, ۲۰۱۷, ص ۴). در آمریکا زمینه احیای مراکز شهری در قالب نظریه اصالت بخشی، والی و هامل (۲۰۰۱) سه موج اصالت بخشی را، که از دهه ۱۹۵۰ شروع شده، شناسایی کرد اند. عمده ترین ویژگی موج سوم (موج فعلی) این است که اصالت بخشی در این دوره جزئی از سیاست مسکن عمومی فدرال و محلی شده است. مهمترین ویژگی این موج از نظر والی و هامل آماده کردن سرمایه رهنی خصوص برای توانمندی اقلیت های نژادی و قومی و گروه های کم درآمد برای مشارکت در فرآیند اصالت بخشی است (peerapun, ۲۰۱۲, ص ۲). سابقه بازسازی و نوسازی شهر ها در گذشته های دور تاریخی ایران نیز همچون تحولات جهانی دارای قدمت طولانی است. تغییرات فضایی-کالبدی قابل تأملی مقارن با دوره رنسانس اروپا (قرن ۱۷ میلادی) در اصفهان صورت می گیرد که در نوع خود می تواند سرآغاز فعالیت های نوسازی مدرن شهری در ایران باشد. در همان دوران و دوره های بعد، و تا اواخر دوره قاجار نیز اقداماتی در جهت تحولات کارکردی-کالبدی شهرها صورت گرفته که عموماً بطئی بوده و در طیفی از نوسازی های شهری قابل بررسی هستند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۸). از نظر آکادمیک و علمی، از ابتدای سده بیستم مسئله سکونتگاه های غیر رسمی مورد توجه جدی برنامه ریزان و سیاست گذاران قرار گرفت، علاوه بر تمرکز بر سیاست های فقرزدایی و افزایش متوسط درآمد ساکنین این محلات، ایجاد عدالت اجتماعی در حوزه مختلف شهری مانند آموزش و بهداشت مورد توجه جدی قرار گرفت و به نوعی رویکرد توانمندسازی که از دهه ۱۹۸۰ شروع شده بود در این دوره به شکل کامل تری مورد توجه متخصصین حوزه شهرسازی قرار گرفت. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سئوالات است: آیا ظرفیت های فرهنگی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد در قشم تأثیر مثبت و معنادار دارد؟ آیا توانمندسازی جامعه محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد در قشم تأثیر مثبت و معنادار دارد؟

محلات قدیمی شهر ها نه فقط به خاطر میراث فرهنگی خود بلکه به خاطر بافت و خصوصیات شهری که دارند نیز مکان های مهم محسوب می شوند بسیاری از این گونه بافت ها در خطر از دست دادن هویت و نقش سنتی خود می باشند و چنانچه اقدامات اساسی در جهت تثبیت و تداوم خصوصیات اینگونه بافت ها صورت نگیرد فروپاشی نظام سنتی و فرهنگی مسئله ای دور از ذهن نخواهد بود بافت های فرسوده شهری که زمانی بر اساس الگوهای شهری و با تأثیر از شرایط اقتصادی - اجتماعی ساکنان و ویژگی های محیطی به وجود آمده اند امروزه بر اثر گذشت زمان و تغییر در الگوهای فضایی ساخت و ساز، قابلیت زندگی را از دست داده اند و دارای مشکلات زیادی از لحاظ شرایط کالبدی، عبور و مرور، اقتصادی و اجتماعی برای زندگی امروزی است برنامه های راهبردی با توجه به انعطاف پذیری و داشتن دید بلند مدت و تلفیق سطوح مختلف برنامه ریزی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده دارای اهمیت بسیاری است این بافت ها دارای توان ها، نقاط قوت و فرصت های زیادی هستند که براساس شناخت جامع و برنامه ریزی صحیح این نقاط می توان راهبردهای بهینه ای جهت ساماندهی وضعیت موجود بافت های فرسوده ارائه داد (مجبی و همکاران، ۱۳۹۳). با توسعه روزانه شهری شدن زندگی بشر مفاهیم مربوط به توسعه پایدار به این حیطه وارد گردید و توسعه پایدار شهر محصول نگاه های جدید به عدالت اجتماعی، فضایی و محیطی نسبت به شهر است. احیا بافت فرسوده باعث تأثیرات شگرفی بر چهره شهر، محیط زیست و کاهش استفاده از زمین میگردد که نه تنها بر زندگی مردم در این دوره بلکه بر زندگی آیندگان موثر واقع می گردد.

۲- پیشینه تحقیق

Hekmatnia (۲۰۲۲) با بیان اینکه امروزه بیشتر شهرها دچار بافت های فرسوده هستند که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، کالبدی و زیست محیطی برای شهرها مشکلاتی ایجاد کرده است عنوان نمود که وجود این مشکلات و نبود راهکارهای مدون و روشن در خصوص مدیریت و برنامه ریزی بافت های فرسوده باعث شده این مشکلات دوچندان شود. از این رو در میان انواع رویکردهای مداخله ای در زمینه های پیش گفته، بازآفرینی شهری برای در نظر گرفتن ترکیبات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و ... در مقایسه با سایر رویکردها، زمینه حرکت به سمت شهر پایدار را فراهم می کند. نتایج تحقیق نشان می دهد که استراتژی غالب در منطقه مورد مطالعه، نوع تهاجمی (SO) است که با امتیاز ۰/۲۵۶ برتری خود را نسبت به سایر استراتژی ها نشان می دهد. این راهبرد نشان می دهد که بازسازی بافت فرسوده با فرصت ها و نقاط قوت فراوانی برای غلبه بر تهدیدها و ضعف ها مواجه است. نتایج معادلات ساختاری نشان می دهد که مولفه های ثبات اقتصادی، شفافیت قوانین و مقررات و همکاری و تعامل بین بخشی با توسعه مشارکت رابطه معنادار و مطلوبی دارند. ziaepour و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود به شناسایی عوامل و منابع فرهنگی مؤثر بر مکان، عوامل و پتانسیلهایی که قابلیت بازآفرینی و احیای محله ها را

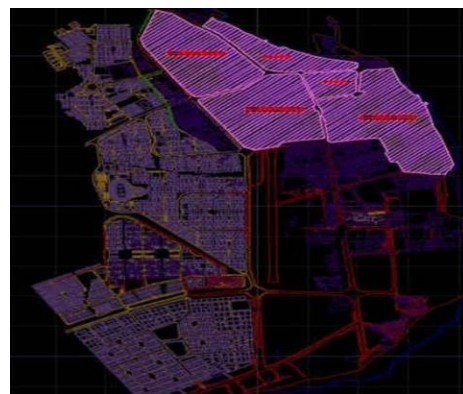
دارند پرداختند. در این تحقیق، با ارائه مدلی مفهومی، نحوه استفاده از این عوامل را در سیاست‌های بازآفرینی شهری نشان داده شده است. فرهنگ به عنوان یک رویداد اجتماعی نیازمند بستری برای مطالعه است، بنابراین بررسی ساختار فضای شهری مهم است. فضای شهری نوعی فضای جغرافیایی است که در اثر تعامل ویژگی‌های محیط طبیعی و ساختار اقتصادی-اجتماعی شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف بهبود کیفی ساختار بافت فرسوده محلات شهری و روش‌های واکنش بر اساس پارادایم تفسیری مطالعات پیشین انجام شد و به این نتیجه رسید که منابع میراث فرهنگی شامل میراث طبیعی، میراث ملموس، میراث ناملموس و هنر است. محصولات و فعالیت‌های فرهنگی تعریف شده است که می‌توان با استفاده از آنها در صنایع خلاق و الگوی تولید و مصرف، بافت فرسوده محلات شهری را درمان کرد. بیگ بابایی و صمدیان (۱۳۹۹) در مقاله خود به بررسی ویژگی‌های بافت فرسوده با رویکرد بازآفرینی پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده شاخص‌هایی مانند کالبدی-فضایی، تأسیسات و تجهیزات، تعامل، امنیت، مشارکت و توانمندسازی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اکثر شاخص‌های مورد استفاده از وضعیت نامطلوبی برخوردار می‌باشد، بطوریکه در اکثر شاخص‌ها میانگین نمرات به دست آمده عدد ۳ و کمتر از آن می‌باشد. بابایی و براتی (۱۳۹۸) بیان کردند که در الگوی بازآفرینی باید همکاری بین برنامه ریزی، مدیریت شهری و اجتماع وجود داشته باشد که عموم مردم را به مشارکت فعال در روند تهیه و اجرای برنامه دعوت نماید. در این مطالعه، در بخش مطالعات نظری، پس از تحلیل مهمترین و تاثیرگذارترین تجربیات جهان و ایران مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت از تلفیق و تطبیق مبانی نظری و تجربیات مدل مفهومی استخراج گردید. از مهمترین دستاوردهای این پژوهش، آغاز توانمندسازی بافت فرسوده در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و مدیریتی است. از نتایج دیگر میتوان به تسهیل مشارکت مردم در برنامه ریزی و اجتماع محوری اشاره نمود. انصاری و افضلی (۱۳۹۹) در مطالعه خود بیان کردند که نواحی فرسوده شهری، بنا به سرشت خود با انواع عوارض و مشکلات مواجه هستند، و در طی سال‌های اخیر سیاستگذاران و برنامه ریزان شهری در صدور ارائه راهبردها و راهکارهای نوینی در مواجهه با مسائل و مشکلات بافت‌های فرسوده شهری می‌باشند. از این رو، در پژوهش خود به بررسی نقش و تأثیر حاکمیت در مدیریت بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهرها به روش فراتحلیل پرداختند. از مجموع دوازده مقاله بررسی شده تعداد ۸ مقاله علمی پژوهشی انتخاب، شاخص‌ها و متغیرها استخراج گردیده و سپس به دسته‌های مختلفی که آنها را عامل می‌نامند تقسیم شده اند. در این مطالعه، از روش تحلیل عاملی و ابزارهای SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید، در همین راستا عوامل استخراج شده از مقالات با استفاده از روش دلفی در قالب پرسشنامه توسط تعدادی از متخصصین امتیاز دهی گردید و عوامل استخراج شده با استفاده از ماتریس همبستگی بررسی و دسته بندی گردید و مشاهده گردید عوامل مشارکتی، عوامل ساختاری و عوامل مدیریتی از بیشترین میزان همبستگی برخوردار بوده و بالاترین امتیاز را در بین دیگر عوامل دارا می‌باشند. زبردست و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بازخوانی و شناسایی بافت‌های فرسوده شهری از طریق ارائه مدلی مناسب، و کاربست آن در بلوک‌های شهری محله هدف مطالعه پرداخته و عوامل و متغیرهای اصلی فرسودگی شهری پرداختند. روش تحقیق در این مقاله تلفیقی از روش‌های فراتحلیل و استفاده از متون معتبر جهانی در ارتباط با شاخص‌های فرسودگی از یک سو و روش تحلیل داده‌های ثانویه مربوط به بلوک‌های شهری در محیط نرم افزارهای تحلیل آماری و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی از سوی دیگر است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که به ترتیب، عوامل اصلی شناسایی بافت‌های فرسوده در محله مورد مطالعه را، آسیب‌پذیری سازه‌ای، فرسودگی اقتصادی محرومیت و فقر شهری تشکیل می‌دهند که در این میان دو عامل اول، حدود ۵۰ درصد فرسودگی و سه عامل در کنار هم حدود ۷۰ درصد فرسودگی شهری را تبیین می‌کنند. همچنین تبیین ارتباط بین شاخص‌های معرفی شده در این مطالعه با شاخص‌های سه گانه شورایی شهری و معماری ایران نیز نشان داد که شاخص‌های قیمت زمین، نرخ نوسازی، تراکم جمعیتی و خانوار در واحد مسکونی به ترتیب، ارتباط بیشتری را با شاخص‌های مربوطه دارند. بر اساس بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام شده در این بخش و مطالعه سایر تحقیقات مرتبط، به نظر می‌رسد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و نیز توانمندسازی ساکنین در جوامع محلی بتواند نقش مثبتی در زمینه احیاء و بازآفرینی بافت فرسوده شهری داشته باشد. مطالعات بررسی شده نشان می‌دهند که در زمینه توانمندسازی فاکتورهای مختلفی مانند توانمندی اقتصادی، علمی و اجتماعی و غیره می‌توانند نقش برجسته‌ای در این میان داشته باشند. از این رو در ادامه این تحقیق با استفاده از یک فراتحلیل به تدقیق بر روی مطالعاتی پرداخته شده است که علاوه بر ظرفیت‌های فرهنگی بر روی انواع مختلف توانمندسازی ساکنین محلات در بافت‌های فرسوده متمرکز شده اند و اثر آنها در بازآفرینی این بافت‌ها بررسی شده است.

۳- روش تحقیق

۳-۱- محدوده مورد مطالعه

قشم یکی از شهرستان‌های استان هرمزگان محسوب می‌شود. این جزیره یکی از جزایر استان هرمزگان است که به‌عنوان بزرگترین جزیره ایران و خلیج‌فارس در تنگه هرمز قرار دارد. این جزیره در چند دهه اخیر به یکی از مکان‌های توریستی و

گردشگری تبدیل شده است. این شهر دارای مختصات جغرافیایی "۴۵' ۱۶" طول شرقی و "۳۰' ۵۷" عرض شمالی و ارتفاع ۱۰ متر از سطح دریا است. همانطور که در شکل ۱ به نمایش درآمده، بافت فرسوده قشم به صورت متراکم در شمال شرق شهر واقع گردیده است. با توجه به رشد و توسعه شهر طی دوره های مختلف و قدمت بیشتر این بخش از شهر؛ با ورود زندگی ماشینی و عدم امکان نفوذ درست و مناسب دسترسی سواره، بافت از تکامل رشد تدریجی سایر نقاط شهر بازمانده و به محدوده های فرسوده تبدیل شده است (شکل ۲). نداشتن "طرح جامع گردشگری" و به تبع آن مشخص نبودن "افق ها"، "ماموریت ها"، "چشم اندازها"، "استراتژی ها" و نهایتاً "نقشه راه" کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، نگاه سنتی بخش های مختلف حاکم بر جزیره به گردشگری، بی ثباتی در مدیریت ها به خصوص مدیریت گردشگری از مشکلات این صنعت در جزیره قشم است (طرح جامع قشم، ۱۳۹۷). در قشم، تک تک روستاهای جزیره با بافت های زیبا و فولکلور مردم بومی، ژئوسایت های ژئوپارک، سواحل آرام و متنوع، جنگل های دریایی حرا، همه و همه از نظر گردشگری اهمیت وافری دارند. یکی از مسائلی که می تواند بر روی پتانسیل گردشگری در این شهر تاثیر به همراه داشته باشد، مسئله بافت های فرسوده است که علاوه بر سیمای نامناسب شهری، مشکلات و تبعات منفی متعددی را به همراه دارد. به نظر می رسد توانمندسازی این بخش از شهر گره گشای بسیاری از مشکلات گردشگری باشد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی و گستره شهر قشم و نواحی فرسوده آن (ناحیه به رنگ صورتی، مقیاس ۱:۱۵۰۰)



شکل ۲. محدوده بافت فرسوده قشم

۳-۲- روش فراتحلیل

این پژوهش از نوع تحقیقات اسنادی است و به دلیل به کارگیری روش فراتحلیل و با توجه به ماهیت داده ها در زمره پژوهش های کمی مروری قرار می گیرد. در مطالعه حاضر، به منظور گردآوری داده های مورد نیاز برای فراتحلیل از یک فرم کدگذاری که معادل پرسشنامه یا فرم مصاحبه در انواع دیگر پژوهش هاست، استفاده شده است. بنابراین، جامعه آماری پژوهش مقاله های انجام گرفته زمینه بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر و نیز بهره مندی از ظرفیت های فرهنگی و توانمندسازی ساکنین است. به این منظور از پژوهش های منتشرشده در نشریات علمی پژوهشی داخل و خارج از کشور بهره گیری شده است. بررسی اطلاعات مربوط به مقالات مختلف نشان می دهد که در مجموع ۳۶ مقاله در زمینه گردشگری و ارتباط آن با بافت فرسوده در شهرها تا سال ۱۴۰۱

در نشریات علمی پژوهشی داخل کشور به چاپ رسیده است. پس از بررسی و ارزیابی اولیه مقاله ها، مطابق فرایندهای مقدماتی فراتحلیل، پژوهش‌هایی که متغیر مستقل یا متغیر میانجی آنها بازآفرینی بافت فرسوده و ساکنین و ظرفیت‌های فرهنگی بود، از میان ۳۶ مقاله مورد نظر انتخاب شدند. در این میان از آن دسته از مقالات کیفی که شاخص‌های کمی را دارا نبودند و همچنین مقاله‌هایی که شاخص‌های آنها برای به دست آوردن اندازه اثر کافی نبود حذف شدند. در نهایت ۱۲ مقاله به عنوان مقاله‌هایی که شرایط ورود برای فراتحلیل را داشتند، انتخاب شدند.

با توجه به اصول مربوط به روش فراتحلیل، تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب بخش‌های محاسبه اندازه اثر و آزمون معناداری اندازه اثر هر فرضیه صورت گرفته است. با این حال، اساس اصلی رویکرد فراتحلیل مبتنی بر اندازه اثر است. اندازه یا بزرگی اثر مهمترین و معروفترین اصطلاح مورد استفاده در روش فراتحلیل است (رزنتال و دیمتیو، 2001، ص ۱۱۲). بر اساس علم فراگیر آماری، اندازه اثر عبارت است از نسبت آزمون معناداری به حجم مطالعه (حجم نمونه مورد بررسی). این مفهوم توسط کوهن (۱۹۹۸) معرفی و بر اهمیت استفاده از آن تأکید شده است. کوهن تنها تمرکز روی سطح معناداری برای رد یا تأیید فرضیه را ناکافی قلمداد کرد و معتقد بود که افزون بر سطح معناداری، باید به اندازه اثر نیز در رد یا تأیید فرضیه توجه کرد. در فراتحلیل با داشتن مقادیر میانگین، واریانس و انحراف معیار گروه‌ها، قادر به محاسبه اندازه اثر بوده، اما رایج‌ترین آماره‌ها در این زمینه پارامترهای d و r هستند که d برای تفاوت‌های گروهی و r برای مطالعات همبستگی به کار می‌روند. از آنجا که در تحقیق حاضر به وجود ارتباط و همبستگی بین عوامل توسعه گردشگری نیاز است، از آماره r استفاده خواهد شد. اگر در تحقیقی از آزمونهای t و F استفاده شده باشد، می‌توان اندازه اثر آنها را طبق فرمول زیر محاسبه کرد:

$$r = \sqrt{\frac{x^2}{n}}, \quad r = \sqrt{\frac{t^2}{t^2 + df}}, \quad r = \sqrt{\frac{F}{F + df}} \quad (۱)$$

در تحقیق حاضر از شاخص r برای اندازه اثر استفاده شد که این اندازه اثر‌ها همراه با معنادار بودن یا نبودن هر یک، در ادامه گزارش می‌شود. در جدول ۱ اندازه اثر عوامل مؤثر بر ارتقای گردشگری قشم با بهره‌مندی از فرمول (۱) محاسبه و نتایج آن ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج بدست آمده از تحقیقات مختلف در زمینه تأثیر بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر و محاسبه اندازه اثر

نتیجه	سطح معناداری	اندازه اثر	ضریب r	توس	مقدار t	df	X ²	متغیرها	سال	نویسندگان
تأیید	0.001	0.395		0.38		224		توانمندی اقتصادی	2022	Hekmatnia
تأیید	0.001	0.418		0.49		224		شفافیت مدیران		
تأیید	0.001	0.682		0.58		224		مشخصات فرهنگی		
تأیید	0.001	0.631		0.55		224		مقررات شهرداری‌ها		
تأیید	0.001	0.609	0.49		10.062	172		میراث فرهنگی	2022	ziaepour
تأیید	0.001	1.000	0.72		17023	172		افزایش توان اقتصادی		
تأیید	0.001	0.930	0.64		33.29	172		خلاقیت ساکنین (اجتماعی)		
تأیید	0.001	0.946	0.51		11.62	16		اقتصادی	2022	Diao

فنی و صادقی	1393	توانمندی ورزشی	تأیید	0.001	0.842	0.33	19.23	152
		توانمندی فرهنگی	تأیید	0.001	0.974	0.47	53.45	152
		مدیریتی - شهری	تأیید	0.001	0.930	0.22	31.23	152
مهاجری و همکاران	1397	جذب منابع سرمایه	تأیید	0.001	0.432	0.41		
		زیباسازی بصری	تأیید	0.001	0.235	0.23		
		ارتقای فرهنگی	تأیید	0.001	0.586	0.55		
		ارتقای بهداشتی	تأیید	0.001	0.351	0.34		
حاتمی نژاد و همکاران	1397	مشارکت فرهنگی	تأیید	0.002	0.910	0.55	35.5	263
		مشارکت اقتصادی	تأیید	0.002	0.853	0.51	26.5	263
		مدیریتی شهری	تأیید	0.002	0.791	0.62	20.96	263
کامران	1397	مدیریت اقتصادی	تأیید	0.001	0.962	0.24	49.56	199
		مدیریت اجتماعی	تأیید	0.001	0.928	0.66	35.26	199
		مدیریت مهندسی	تأیید	0.001	0.920	0.08	33.14	199
رسول نازی و همکاران	1401	مدیریت شهری	تأیید	0.001	0.395	0.32		19
		مدیریت فرهنگی	تأیید	0.001	0.421	0.38		19
		مدیریت اقتصادی	تأیید	0.001	0.529	0.41		19

۴- یافته‌ها

در روش فراتحلیل حداقل تعداد مطالعه‌های لازم برای آزمون یک عامل ۵ مطالعه معنادار است. از این رو عواملی برای بررسی انتخاب خواهند شد که حداقل در ۴ مطالعه به طور معنادار تکرار شده باشند. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تمامی عواملی که در جدول ۱ ذکر شده‌اند، به عنوان متغیرهایی به شمار می‌روند که اندازه اثری معنادار دارند.

جدول ۲. بررسی وضعیت عوامل مستقل مطالعات در تحقیقات استخراج شده در زمینه تاثیر بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر

عوامل اقتصادی	عوامل اجتماعی	عوامل مدیریت شهری	عوامل فرهنگی	متغیر
۸	۵	۵	۱۱	تعداد تکرار
۱۲-۱۱-۱۰-۶-۵-۳-۲-۱	۷-۲-۱۱-۶-۵	۴-۶-۸-۱۲-۱۰	۱ الی ۱۰ و ۱۲	شماره مقاله

پس از تعیین تعداد تکرار هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق در مطالعات پیشین جمع آوری شده، در این بخش به بررسی فرضیات پژوهش در ارتباط با معناداری اندازه اثر هر یک از عوامل و فاکتورهای اصلی تاثیر بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر بر اساس داده های بدست آمده در جدول ۲ پرداخته می شود. برای این منظور از آزمون آماری t در نرم افزار SPSS استفاده شده است. بر مبنای داده های جدول ۲ می توان اینگونه بیان کرد که ظرفیت های فرهنگی نقش بسزایی در بازآفرینی بافت فرسوده دارند. همچنین توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و شهری (مواردی مانند کالبدی و مهندسی) نیز در احیای بافت فرسوده شهری موثر هستند. بنابراین با توجه به آنکه مطالعه موردی تحقیق حاضر مربوط به شهر قشم می باشد، بر این اساس، در بخش های زیر به ترتیب فرضیات پژوهش ارائه و ارزیابی شده اند.

- ظرفیت های فرهنگی نقش معناداری بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر قشم دارند.

با توجه به مقالات گردآوری شده در زمینه اثرات ظرفیت های فرهنگی بر احیا و بازآفرینی بافت فرسوده شهری، اندازه اثرهای هر یک از مقالات بر اساس آزمون t مورد ارزیابی قرار داده شده تا معناداری آن در جامعه تحقیق (مقالات استخراج شده) بررسی گردد. جدول ۳ ارائه دهنده نتایج بدست آمده از تحلیل اندازه اثر مقالات در زمینه فاکتور فرهنگی است. نتایج بدست آمده در جدول ۳ نشان دهنده آن هستند که میانگین اندازه اثر عامل فرهنگی با مقدار ۰.۶۶۹ اثر معناداری بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری دارد.

جدول ۳. پارامترهای آماری بدست آمده از آزمون t برای اندازه اثر بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر قشم

فاکتور	آماره			بازه اطمینان		درجه آزادی	t	معناداری
	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	حد پائین	حد بالا			
ظرفیت های فرهنگی	۰.۶۶۹	۰.۲۶۷	۰.۸۰۶	۰.۴۹۰	۰.۸۴۹	۱۱	۸.۳۰۹	۰.۰۰۰

- توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی نقش معناداری بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر قشم دارند.

با توجه به مقالات گردآوری شده در زمینه اثرات توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع بر احیا و بازآفرینی بافت فرسوده شهری، اندازه اثرهای هر یک از مقالات بر اساس آزمون t مورد ارزیابی قرار داده شده تا معناداری آن در جامعه تحقیق (مقالات استخراج شده) بررسی گردد. جدول ۴ ارائه دهنده نتایج بدست آمده از تحلیل اندازه اثر مقالات در زمینه فاکتور توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی است. نتایج بدست آمده در جدول ۳ نشان دهنده آن هستند که میانگین اندازه اثر عامل توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی به ترتیب با مقدار ۰.۷۲۶، ۰.۵۴۵ و ۰.۴۷۹ اثر معناداری بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری دارد.

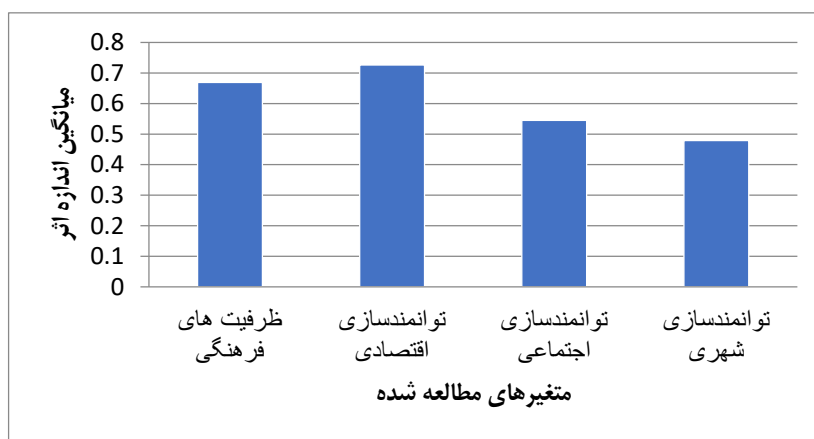
جدول ۴. پارامترهای آماری بدست آمده از آزمون t برای اندازه اثر توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر قشم

فاکتور	آماره			بازه اطمینان		درجه آزادی	t	معناداری
	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	حد پائین	حد بالا			
توانمندسازی اقتصادی	۰.۷۲۶	۰.۳۱۹	۰.۱۱۲	۰.۴۶۰	۰.۹۹۳	۱۱	۶.۴۴۵	۰.۰۰۰
اجتماعی	۰.۵۴۵	۰.۳۶۲	۰.۱۶۱	۰.۰۹۶	۰.۹۹۵	۱۱	۳.۳۷۱	۰.۰۰۲
شهری	۰.۴۷۹	۰.۲۱۰	۰.۰۹۴	۰.۱۹۸	۰.۷۲۰	۱۱	۴.۸۷۹	۰.۰۰۱

۵- نتیجه گیری

در سالهای اخیر بازآفرینی شهری به عنوان رویکرد جدید برای بهسازی و نوسازی این بافتها مطرح شده است. بافت های فرسوده حاشیه ای اغلب در زمره مناطق محروم شهر از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی هستند و این امر عامل نارضایتی ساکنان، عدم پویایی و رونق حیات شهری در آنهاست. توجه به بافت های فرسوده و قدیمی و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده، به گونه ای که سازمان های ذیربط را به تکاپوی ساماندهی و بازآفرینی بافت های مذکور سوق داده و لزوم مداخله در این بافت ها را در دوره های مختلف زمانی مطرح نموده است. در مطالعه حاضر، به بررسی مسئله بازآفرینی بافت ناکارآمد قشم با تاکید بر بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی و توانمندسازی جامعه محلی پرداخته شد. برای این منظور از یک روش فراتحلیل بر اساس تحقیقات علمی و پژوهشی پیشین در این حوزه در ایران تا سال ۱۴۰۱ بهره گیری شده است. در این راستا، ۳۶ مقاله به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب و ۴ عامل مختلف در ارتباط با فاکتورهای موثر به عنوان فرضیه تحقیق در نظر گرفته شدند. پس از دسته بندی، ۱۲ مقاله با روش تحقیق کمی و دارای بیشترین ارتباط به موضوع انتخاب شدند. اندازه اثر هر یک از فاکتورهای محاسبه و بر اساس آزمون t به برآورد وضعیت میانگین اندازه اثر پرداخته شده است.

این مطالعه نتیجه می گیرد که میانگین اندازه اثر عامل فرهنگی با مقدار ۰.۶۶۹ اثر معناداری بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری دارد. همچنین، میانگین اندازه اثر عامل توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی به ترتیب با مقدار ۰.۷۲۶، ۰.۵۴۵ و ۰.۴۷۹، اثر معناداری بر بازآفرینی بافت فرسوده شهری دارد. بنابراین، به طور خلاصه می توان نتایج بدست آمده را به ترتیب نشان داده شده در نمودار شکل ۳ مشاهده کرد. همانطور که این شکل نشان می دهد، توانمندسازی ساکنین در جوامع محلی از نوع توانمندسازی اقتصادی با میانگین اندازه اثر برابر بر ۰.۷۲۶، بیشترین اثر در بازآفرینی بافت فرسوده شهری در قشم را داشته است. بعد از آن استفاده و بهره گیری از ظرفیت های فرهنگی با میانگین اندازه اثر برابر با ۰.۶۶۹ در این زمینه نقش بسزایی دارد. پس از آن توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی شهری هر یک به ترتیب با میانگین اندازه اثر برابر ۰.۵۴۵ و ۰.۴۷۹ در رتبه های بعدی قرار دارند.



شکل ۳. نمودار ستونی میانگین اندازه اثر متغیرهای بهره گیری از ظرفیت فرهنگی و توانمندسازی (اقتصادی-اجتماعی شهری) ساکنین جوامع محلی بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر قشم

۶- بحث

بر اساس فراتحلیل انجام شده در تحقیق، نشان داده شد که فاکتور توانمندسازی اقتصادی یکی از موثرترین راهکارها در بازآفرینی بافت فرسوده در قشم است. در این راستا، رنجبر و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه خود با بیان اینکه بافتهای فرسوده، درصد بالایی از جمعیت شهری را در خود جای داده و در عین حال از ظرفیتهای و قابلیتهای نهفته بسیاری برای توسعه های آتی درون شهری برخوردار هستند عنوان کردند که پرداختن به بافتهای ناکارآمد شهرها و برنامه ریزی برای آنها، جدا از پرداختن به واقعیت های اقتصادی مستلزم برنامه ریزی دقیق، جامع و واقع گرایانه است. رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باززنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تاکید بر ملاحظه های اقتصادی نیز گذری داشته است. این محققین همراستا با تحقیق حاضر، نتیجه گیری کردند که برنامه باز آفرینی، نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری به دلیل امکان استفاده از ظرفیت های قابل توجه و به دلیل احداث مسکن و توسعه دسترسی به خدمات شهری در آن به عنوان یکی از برنامه های سیاست توسعه درون زای شهری

محسوب می شود لیکن تحقق این برنامه به دلیل سرمایه گذاری هنگفت مورد نیاز آن، با توجه به سطح گسترده بافت های فرسوده جز، مشارکت مردم و بخش غیر دولتی امکان پذیر نیست.

ظرفیت های فرهنگی موجود در بافت فرسوده از دیگر فاکتورهای موثر بود که در تحقیق حاضر، به عنوان یک عامل مهم در بازآفرینی این بافت شناسایی شد. در این راستا، ارغان و همکاران (۱۳۹۵) بیان کردند که یکی از مشکلات موجود در بافت های فرسوده، مساله فرهنگی و بخصوص ناهنجاری های امنیتی می باشد. بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی کارآمد در صدد احیاء و معاصر سازی این محلات فرسوده می باشد و تلاش می نماید تا روحی دوباره در این مناطق تزریق نموده و شرایط مناسب جهت حضور و مشارکت همگان در فرآیند آن در راستای تامین نیاز شهروندان بخصوص فرهنگ گام بردارد. این مطالعه همراستا با مطالعه حاضر، نشان داد که ظرفیت های فرهنگی بالا می توانند نقش بسزایی در تسریع و ارتقای بافت فرسوده شهری داشته باشند. فقر فرهنگی و به تبع آن مسائل امنیتی این بافت را با مشکلات فراوانی روبرو می باشد که در نهایت مواجهه می سازد. در ادامه توانمندسازی اجتماعی در بافت فرسوده از دیگر فاکتورهای موثر بود که در تحقیق حاضر، به عنوان یک عامل مهم دیگر در بازآفرینی این بافت شناسایی شد. در این زمینه، مولایی و همکاران (۱۳۹۶) بیان نمودند که موضوع مشارکتهای اجتماعی در فرآیند بازآفرینی بافت های مساله دار و ناکارآمد در کشورهای توسعه یافته یکی از موضوعات کلیدی در زمینه توسعه ی شهرهاست. این بافت ها، به لحاظ اجتماعی، افتراق شدیدی با بافت های اطراف دارد. همین مساله ضرورت تفکر برنامه ریزی را در این بافتها موجب شده است. این محققین همراستا با تحقیق حاضر، نتیجه گرفتند که مهمترین معیارهای بازآفرینی شهری را برنامه ریزی راهبردی، پایداری و مشارکت اجتماعی تشکیل می دهند؛ که توانمندسازی ساکنین یک بافت و همبستگی و مشارکت آنان می تواند تاثیرات شگرفی در احیاء، نوزایی و بازآفرینی آن داشته باشد. در نهایت، فاکتور توانمندسازی شهری در بافت فرسوده از دیگر فاکتورهای موثر بود که در تحقیق حاضر، به عنوان یک عامل مهم در بازآفرینی بافت فرسوده شناسایی شد. در این راستا، توانا و عابدینی (۱۳۹۴) در مطالعه خود بیان کردند که فرسودگی بافت مرکزی و قدیمی شهرها و جاماندن این محدوده ها از توسعه پایدار شهری، در سال های اخیر با تلاش برای نوسازی این بافت ها با استفاده از رویکردها و سیاستهای گوناگون از جمله رویکرد بازآفرینی مدیریت شهری، که به دنبال ایجاد محیطی پایدار با مشارکت ساکنین بافت فرسوده روبرو بوده است. بافت قدیمی و مرکزی شهرها که شالوده مدنی و تشکیلاتی خود را تا شروع شهرسازی دوره جدید (معاصر) حفظ کرده بود، با شروع فعالیت های جدید متحول شده و تغییر شکل در نقش ظاهری و درونی آنها به شدت الزامی است. بازآفرینی با بهره مندی از مدیریت شهری، از جمله دستاوردهای نوین و کامل برنامه های شهرسازی در خصوص بافت های فرسوده می باشد. فازآفرینی به معنی تجدید حیات بافت در همه ابعاد کالبدی و زیست محیطی می باشد که با تکیه بر مشارکت مردمی این امر حاصل می شود. نتایج حاصل از تحقیق این مطالعه همراستا با تحقیق حاضر نشان می دهد که مدیریت ساختار شهری و کالبدی مهمترین معضل بافت فرسوده شهر می باشد.

منابع

۱. رنجبر، مهدی و جعفری، عوض، ۱۳۹۸، راهکارهای بازآفرینی بافتهای فرسوده شهری با رویکرد توسعه پایدار، Sixth National Conference on New Technologies in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning <https://civilica.com/doc/989317.Tehran.Planning>
۲. ارغان، عباس و کتیه نور، محبوبه، ۱۳۹۵، بازآفرینی بافت های فرسوده شهری با رویکرد تامین امنیت نمونه موردی: ناحیه ۱ منطقه ۱۵ کلانشهر تهران، چهارمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، <https://civilica.com/doc/612428>
۳. مولایی، محمد مهدی و مقدم آریایی، علی، ۱۳۹۶، بازآفرینی بافت فرسوده آبکوه با تاکید بر مشارکت اجتماعی، پنجمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، <https://civilica.com/doc/734441>
۴. طرح جامع قشم، (۱۳۹۷). سازمان منطقه آزاد قشم.
۵. زبردست، اسفندیار، خلیلی، احمد، دهقانی، مصطفی. (۱۳۹۲). کاربرد روش تحلیل عاملی در شناسایی بافت های فرسوده شهری. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی 10.22059/jfaup.2013.50524. doi: 10.22059/jfaup.2013.50524. 27-42. 18(2).
۶. محمدمهدی انصاری، کوروش افضلی، (۱۳۹۹). فراتحلیلی بر نقش حاکمیت در بازآفرینی بافت های ناکارآمد شهری. مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری سال سوم پاییز ۱۳۹۹ شماره ۳ (پیاپی ۱۲) جلد دو.
۷. بیگ بابایی، بشیر و صمدیان، سحر، (۱۳۹۹)، ارزیابی بازآفرینی شهری بافت فرسوده شهر مراغه بر اساس شاخص های توانمند سازی و مشارکت اجتماعی، هشتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/1125285>

۸. هاشمی فشارکی، سیدمحمد و سعیدی، هاجر (۱۳۹۰)، نقش احیای بافت فرسوده در توسعه پایدار شهری از دیدگاه فرهنگی، اولین کنفرانس ملی عمران توسعه، رشت، <https://civilica.com/doc/142802>.
۹. محبی، لیلا و کبیر صابر، محمدباقر، (۱۳۹۳)، بررسی ظرفیت های بافت های تاریخی و حفاظت و توسعه آن (نمونه موردی: محدوده تاریخی بافت مرکزی ارومیه)، اولین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری، همدان، <https://civilica.com/doc/270012>.
۱۰. بابایی، اکرم و براتی، ناصر، (۱۳۹۸)، بازآفرینی با تاکید بر توانمندسازی بافت های ناکارآمد شهری با رویکرد اجتماع محور (نمونه موردی محله دیمچ قزوین)، کنفرانس ملی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه پایدار، تهران، <https://civilica.com/doc/987746>.
۱۱. فنی زهره صادقی یداله، (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران. آمایش محیط، دوره: ۲، شماره: ۷.
۱۲. مهاجری، لیلا و زرافشان، عطالله و محمدی، مهدی، (۱۳۹۷)، بازآفرینی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر اردبیل)، اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین معماری و شهرسازی در هزاره سوم، مراغه، <https://civilica.com/doc/902339>.
۱۳. حاتمی نژاد، حسین و پوراحمد، احمد و نصرتی هشی، مرتضی، (۱۳۹۷)، آینده پژوهی در بافت فرسوده شهری با تاکید بر تبیین وجه اشتراک ها بین دو رویکرد بازآفرینی شهری و آینده پژوهی، اولین همایش رقابت پذیری و آینده تحولات شهری، تهران، <https://civilica.com/doc/815980>.
۱۴. سمیه رسول نازی؛ فریدون نقیبی؛ مرتضی خسرونی، (۱۴۰۱). بررسی نقش ظرفیت های مردمی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده ارومیه). پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۴، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۱، صفحه ۱۳۱-۱۵۴
15. Ziaepour, M., behzadfar, M., & zarabadi, Z. S. S. (2022). Analysis of Cultural Resources of the Place in order to Culture-led Regeneration of the Neighborhood. *Political Sociology of Iran*, 5(11), 3744-3749. doi: 10.30510/psi.2022.297902.2088
16. Hekmatnia, H., s, N., f, F., & s, S. (2022). Evaluation of urban worn-out structures with urban regeneration approach (Case: Miandoab city). *Human Geography Research*, (), -. doi: 10.22059/jhgr.2022.332976.1008401
17. Widiati, I.R (2017). Application of GIS in The Spatial Analysis to Assessing the Infrastructure Dynamics of Slum in Papua, Indonesia, *Informatics and Computing (ICIC)*, 2017 Second International Conference on, pp. 1-6.
18. Peerapun, W (2012). Participatory Planning Approach to Urban Conservation and Regeneration in Amphawa Cummunity, *Social and Behavioral Sciences*, 36: 243.
19. Asmelash, A.G.; Kumar, S.(2019). Assessing progress of tourism sustainability: Developing and validating sustainability indicators. *Tour. Manag.* 71, 67-83. [CrossRef]
20. Gius, C. (2017). Facing the pain of others: Perspectives on international volunteer tourism between agency and spectatorship. *Curr. Issues Tour.* 20, 1620-1632. [CrossRef]
21. Ellis, S.; Sheridan, L. (2015). The role of resident perceptions in achieving effective community-based tourism for least developed countries. *Anatolia*, 26, 244-257. [CrossRef]
22. Rasoolimanes, S.M.; Ringle, C.M.; Jaafar, M.; Ramayah, T (2017). Urban vs. rural destinations: Residents' perceptions, community participation and support for tourism development. *Tour. Manag.* 60, 147-158. [CrossRef]
23. Diao, J.; Lu, S., (2022). The Culture-Oriented Urban Regeneration: Place Narrative in the Case of the Inner City of Haiyan (Zhejiang, China). *Sustainability*, 14, 7992. <https://doi.org/10.3390/su14137992>
24. Shafiei Sabet Naser & Haratifard Saeideh, (2017). Impact Of Empowering Local Stakeholders In Tourism Development And Sustainability Of Marginal Rural Settlements In Iran. *Sustainable Development And Planning* 9, 493.
25. Daniele La Rosa, Riccardo Privitera, Luca Barbarossa, Paolo La Greca, (2017). Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy. *Landscape and Urban Planning*, Volume 157, Pages 180-192.